

نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی بر اساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م) (مطالعه موردی: سوره بقره)

محمدحسن امرائی*

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۵

دریافت: ۹۷/۶/۱۲

چکیده

نظریه ارزیابی کیفیت ترجمه خانم کارمن والرو گارسس (۱۹۹۴م) از مهم‌ترین نظریات حوزه زبان‌شناسی است که به منظور تشخیص سطح کیفی ترجمه‌ها، سازمان‌یافته و به تحلیل کیفی متون ترجمه شده ادبی می‌پردازد. این نظریه، به سبب مؤلفه‌هایی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه و میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد، می‌تواند چارچوبی کارآمد برای نقد کیفیت ترجمه‌های قرآن کریم نیز باشد. گارسس، برای ارزیابی ترجمه، چهار سطح پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: سطح معنایی- لغوی، سطح نحوی- صرفی، سطح گفتمانی- کاربردی و سطح سبکی- مقصودشناختی. پژوهش حاضر، با تکیه بر اهمیت غیر قابل انکار این مدل ترکیبی در ارزیابی کیفی ترجمه‌ها، در نظر دارد به ارزیابی تخصصی کیفیت ترجمه منتخب سوره بقره به قلم آیت‌الله محمد یزدی از قرآن کریم بپردازد. برای این منظور ابتدا و به‌طور مختصر، نظریه گارسس معرفی و سپس موارد قابل کاربست این نظریه بر مثال‌های مستخرج از ترجمه سوره مذکور، ذکر می‌شود. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش که با روشی توصیفی- تحلیلی و آماری نگاشته شده، بیان‌گر آن است که اولاً: ترجمه یزدی از منظر شاخص‌های نظریه گارسس، قابل نقد و ارزیابی کیفی است. ثانیاً: این ترجمه، هم توضیحی- تفسیری است و داده‌های بسیاری برای زیرگروه تعریف و توضیح و بسط خلاقه دارد و هم، موارد بی‌شماری از داده‌های قابل تطبیق با نظریه گارسس و زیرگروه‌های متعدد آن، از قبیل: همانندی- قبض و بسط نحوی، دستورگردانی و همچنین انتقال ابهام را در خود جای داده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه سوره بقره، محمد یزدی، نظریه گارسس (۱۹۹۴م)، کیفیت

۱- مقدمه و بیان مسأله

تداوم سیر تکاملی ترجمه‌های قرآن، ضرورتی انکارناپذیر است. این حرکت روبه رشد، غالباً بدون نقد ترجمه‌های پیشین، به‌ویژه در سایه دانش زبان‌شناسی امکان‌پذیر نیست. الگوی ارزیابی ترجمه خانم کارمن گارسس^۱ (۱۹۹۴)، از مهم‌ترین نظریات زبان‌شناسی است که به‌منظور ارزشیابی سطح کیفی ترجمه‌ها، سازمان‌یافته و به تحلیل کیفی متون ترجمه ادبی می‌پردازد. نظریه گارسس، به سبب گنجایشی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه شده و نیز میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد، می‌تواند چارچوبی کارآمد، در راستای ارزیابی میزان مقبولیت و کفایت ترجمه‌ها باشد.

ناظر به اهمیت غیر قابل انکار ترجمه قرآن کریم، پژوهش حاضر، به‌دنبال ارزیابی تخصصی و نظام‌مند ترجمه آیت‌الله محمد یزدی، بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴) است. انتخاب ترجمه یزدی نیز بدان جهت است که رویکرد وی، غالباً مخاطب‌محور بوده و به زبان مقصد اهمیت بیش‌تری داده است (جواهری، ۱۳۸۷: ۲۳۲).

با وجود این‌که تألیفات نقدی فراوانی پیرامون آموزش ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس انجام گرفته؛ اما تاکنون پژوهش تخصصی و نظام‌مند، جهت ارزیابی سطح کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن، بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴) صورت نگرفته است. این مدل ترکیبی، غالباً برای متون ادبی طراحی شده است و به‌نظر می‌رسد که بتواند برای سنجش میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌های قرآن هم، نقطه آغازین مناسبی باشد. لذا این پژوهش برآن است تا با استفاده از نظریه گارسس (۱۹۹۴) که در چهار سطح: (معنایی - لغوی، نحوی - صرفی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - منظورشناختی) طراحی شده است، به پرسش‌های زیر پاسخ روشن دهد:

۱- آیا نظریه گارسس (۱۹۹۴)، قابلیت تطبیق بر ترجمه منتخب سوره بقره به‌قلم محمد

یزدی را دارد؟

نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی بر اساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م) _____ محمدحسین امرائی

- ۲- مطابق الگوی گارسس (۱۹۹۴)، آیا می‌توان ترجمه محمد یزدی از سوره بقره را ترجمه‌ای مخاطب‌محور و مقصد‌گرا دانست؟
- ۳- براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴)، آیا ترجمه سوره بقره به‌قلم محمد یزدی، از کفایت و مقبولیت برخوردار است؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن کریم همواره مورد توجه ناقدان بوده و آنان به‌صورت نظری به پیشرفت دانش ترجمه کمک نموده‌اند؛ اما اقدامات تخصصی و نظریه‌محور، کمتر صورت گرفته است. در همین راستا، در روزگار معاصر، نظریه گارسس (۱۹۹۴)، چارچوبی نظام‌مند و کارآمد را جهت ارزشیابی کیفی ترجمه‌های متون ادبی فراهم نموده که مورد عنایت نیز قرار گرفته است. از آن جمله است:

- ۱- «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون ادبی با تکیه بر الگوی گارسس»، پروین فرهادی (۱۳۹۲).
 - ۲- «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)»، رشیدی و فرزانه (۱۳۸۹).
 - ۳- «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس»، صیادانی و همکاران (۱۳۹۶).
 - ۴- «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، متقی‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۹۶).
- اما در مورد ترجمه‌های قرآن، بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)، تاکنون پژوهشی به‌طور کامل اجرا نشده است. نخستین تلاش در این زمینه، مقاله "نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس)" از رحیمی‌خویگانی (۱۳۹۶) است که تنها یک سطح را در ترجمه گرمارودی اجرا کرده و سه سطح دیگر را

وانهاده است. در امتداد همین پیشینه، نگارنده به ارزیابی کیفی ترجمه منتخب سوره بقره، به قلم آیت‌الله محمد یزدی، اقدام نموده است.

بدیهی است که تاکنون پژوهشی تکمیلی در حوزه نقد تخصصی و روشمند ترجمه‌های قرآن مطابق نظریه گارسس (۱۹۹۴) انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر، هم نخستین پژوهش مستقل در ارزیابی کیفیت ترجمه یزدی بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴) است و هم این‌که، راه را برای کاربست این نظریه بر دیگر ترجمه‌های قرآن کریم، هموار خواهد کرد.

۱-۲- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، «توصیفی و تحلیلی - تطبیقی» است. شاکله اساسی پژوهش، دو بخش دارد: بخش نظری و بخش تطبیقی.

بخش نظری پژوهش به مبانی نظری مدل گارسس و زیرشاخه‌های متعدد این نظریه، پرداخته و بخش تطبیقی پژوهش به کاربست مدل ترکیبی گارسس در متن ترجمه یزدی از قرآن کریم می‌پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مدل ارزیابی کارمن گارسس (۱۹۹۴م)

نظریات متعددی جهت سنجش کیفیت متون ترجمه شده، ارائه گردیده است. یکی از این نظریه‌ها، مدل ترکیبی خانم کارمن والرو گارسس (۱۹۹۴)، زبان‌شناس اسپانیایی است که می‌تواند در تحلیل کیفیت متون ترجمه شده، راه‌گشا باشد. «گارسس (۱۹۹۴) مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه نموده که مرکب از مدل پیشنهادی وینه^۲ و داربلنه^۳ (۱۹۵۸) و آراء دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه، همچون نایدا^۴، نیومارک^۵، دلپسل^۶، مونن^۷، نوبرت^۸، ستویو یاتوری^۹ است» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴).

نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی بر اساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م) _____ محمدحسن امرائی

مطابق نظریه گارسس، ترجمه‌ها براساس ویژگی‌های مثبت و منفی بیان‌گر کیفیت (و زیرگروه‌های آن‌ها) و در نهایت، دو معیار کفایت و مقبولیت، بررسی و رده‌بندی می‌شوند. این ویژگی‌ها در روند ارزیابی این پژوهش که براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) انجام می‌شود، نیز مدنظر بوده و دو سطح مقبولیت و کفایت ترجمه یزدی، براساس آن مشخص می‌شود. اساس این مدل، بر اصل تعادل میان زبان مبدأ و مقصد استوار است. گارسس، برای ارزیابی شباهت‌های میان زبان مبدأ و مقصد (متن ترجمه شده)، چهار سطح را پیشنهاد نموده که به گفته او، گاه با هم تداخل می‌کنند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۶). کلیات چهارگانه مدل گارسس (۱۹۹۴) در جدول (۱) به اختصار نشان داده شده است:

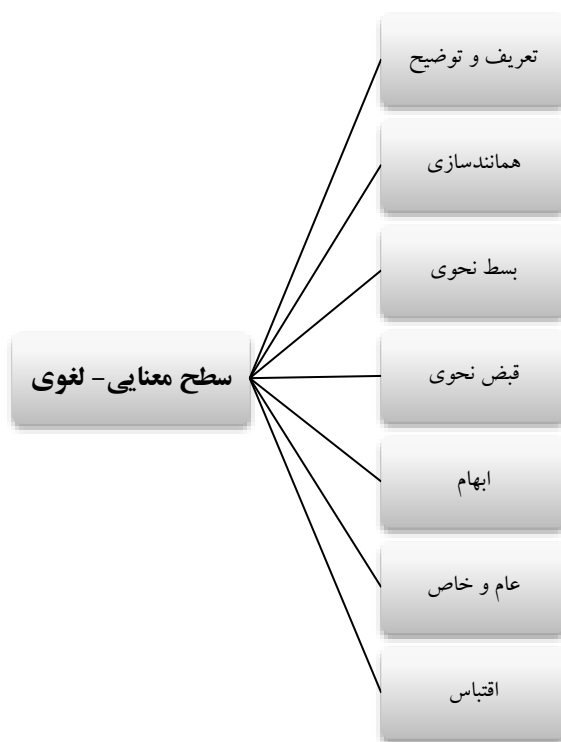
شکل ۱) سطوح چهارگانه الگوی ارزشیابی کیفیت ترجمه از کارمن گارسس (۱۹۹۴م)



اکنون به این سطوح چهارگانه الگوی گارسس (۱۹۹۴)، و تک تک زیربخش‌های آن در قالب نمودار پرداخته می‌شود:

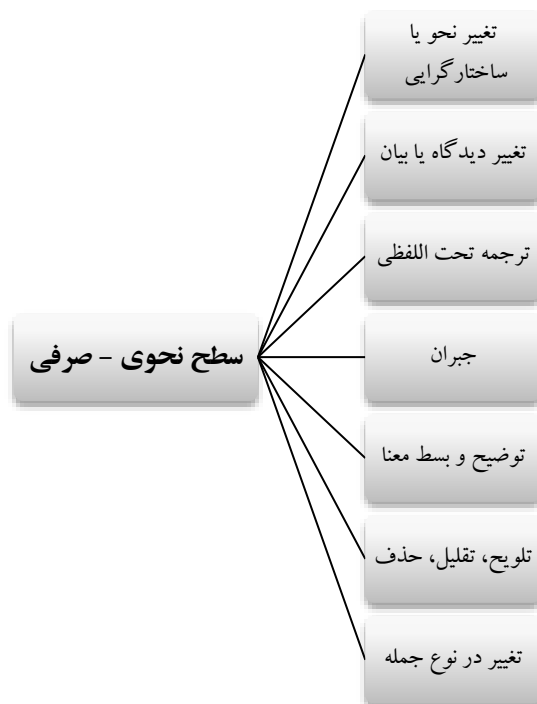
۱-۱-۲- سطح معنایی - لغوی^{۱۰}

شکل ۱ - ۱) سطح معنایی - لغوی



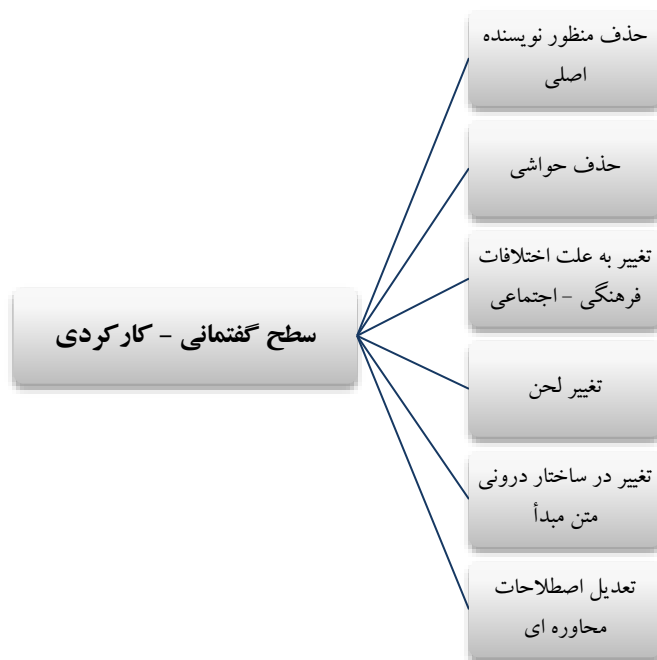
۲-۱-۲- سطح نحوی - صرفی (واژه‌ساختی)^{۱۱}

شکل ۱ - ۲) سطح نحوی - صرفی

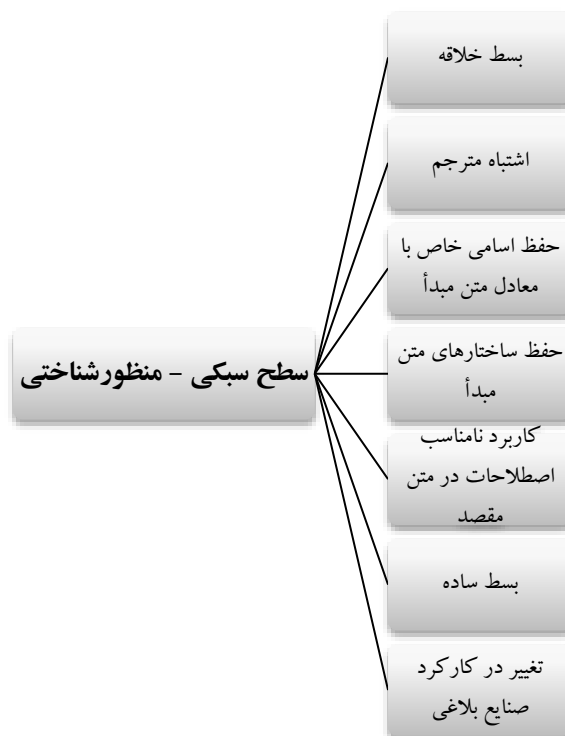


۲-۱-۳- سطح گفتمانی - کارکردی^{۱۲}

شکل ۱- ۳) سطح گفتمانی - کارکردی



۲-۱-۴ - سطح سبکی - منظورشناختی (عملی)^{۱۳}
شکل ۱ - ۴) سطح سبکی - منظورشناختی



۲-۲ - روش تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴م)

تحقیق حاضر، به ارزیابی تخصصی کیفیت ترجمه منتخب سوره بقره، به قلم یزدی می‌پردازد. در میان مدل‌های متعدد ارزیابی کیفی ترجمه، مدل گارسس (۱۹۹۴) به‌عنوان چارچوب این تحقیق انتخاب شده است که شامل چهار سطح متفاوت معنایی - لغوی، نحوی - صرفی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - منظورشناختی است. هریک از این سطوح نیز دارای زیرگروه‌های خاصی هستند که متن ترجمه شده براساس آن‌ها سنجیده می‌شود.

در این مقاله، بعد از تعیین میزان فراوانی هریک از زیرگروه‌های خاص برطبق مدل گارسس، نتایج به صورت جداول توزیع فراوانی ارائه می‌گردد. با محاسبه مقادیر فراوانی در سطوح چهارگانه و در هریک از زیرگروه‌ها، تعیین مقادیر حوزه‌های مشترک ترجمه (افزایش، مانس و کاهش)، ارزیابی کیفیت ترجمه براساس دو معیار کفایت و مقبولیت با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت، صورت خواهد گرفت.

مطابق الگوی گارسس (۱۹۹۴)، صنایع بلاغی هم، به دلیل جایگاه خاص آن‌ها در ترجمه، باید مدنظر قرار گیرند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۶۸). این صنایع بلاغی در سه حوزه «تعدیل»، «حذف» و «حفظ» تجزیه، تحلیل و نقد می‌شوند.

در الگوی گارسس، ترجمه‌ها از نظر دو معیار کفایت و مقبولیت نیز باید ارزیابی شوند (همان: ۶۸). از این رو، برای تعیین کیفیت ترجمه‌ها، ویژگی‌های جدیدی در نظر می‌گیریم که عبارتند از:

الف) ویژگی‌های مثبت.

ب) ویژگی‌های منفی.

هریک از این ویژگی‌ها دارای زیرگروه‌هایی هستند که تعیین کننده جنبه‌های مثبت یا منفی ترجمه هستند. مثلاً زیرگروه بسط نحوی، عاملی مثبت است؛ اما زیرگروه ترجمه تحت‌اللفظی، عاملی منفی و از کیفیت ترجمه می‌کاهد.

در این پژوهش، با اتکا به مدل گارسس (۱۹۹۴)، ویژگی‌های مثبت و منفی در دو ستون جداگانه قرار داده شده تا اساس قضاوت و ارزیابی کیفیت ترجمه یزدی از سوره منتخب بقره باشد:

ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت در مدل گارسس (۱۹۹۴م)

| ویژگی‌های مثبت | ویژگی‌های منفی |
|---|--------------------------------|
| معادل فرهنگی | ابهام |
| بسط نحوی | ترجمه قرضی (گرفته‌برداری) |
| جبران | ساده کردن |
| تغییر نحو یا صورت | ترجمه تحت‌اللفظی |
| تغییر دیدگاه یا بیان | نارسایی در مفهوم معادل‌ها |
| توضیح | تغییر لحن |
| حذف | تغییر در ساختار درونی متن مبدأ |
| تغییر به علت تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی | تصرف |
| تغییر در نوع جمله | تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای |
| حفظ اسامی خاص با معادل در متن مقصد | قبض نحوی یا کاهش |
| تعریف | حفظ ساختارهای متن مبدأ |
| حفظ صنایع بلاغی | بسط خلاقه |
| | بسط ساده |
| | اشتباه مترجم |
| | حذف صنایع بلاغی |
| | تغییر در صنایع بلاغی |

۳ - تطبیق نظریه گارسس (۱۹۹۴م) در ترجمه محمد یزدی

در این بخش از پژوهش، با اتکا به الگوی ارزیابی ترجمه گارسس (۱۹۹۴)، به تطبیق سطوح چهارگانه این نظریه و تک تک زیرگروه‌های آن، به‌طور عینی، در ترجمه سوره بقره، به‌قلم یزدی پرداخته می‌شود.

در ادامه، پس از محاسبه داده‌ها، نتایج در قالب نمودارهایی که بیان‌گر چگونگی این تجزیه و تحلیل هستند، نمایش داده می‌شود:

۳-۱-۱- سطح معنایی - لغوی^{۱۴}

مطابق شکل (۱-۱)، سطح معنایی - لغوی، شامل زیرگروه‌های زیر است:

۳-۱-۱-۱- تعریف و توضیح^{۱۵}

تعریف، اشاره‌ای است به معنی واژه، به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی، مانند: ثبات: جماعه متفرقه.

توضیح نیز، افزودن اطلاعاتی است که در پی اختلافات فرهنگی بین زبان اصلی و مقصد ضروری می‌گردد (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۰؛ به نقل از رحیمی‌خویگانی، ۱۳۹۶: ۷۲). آرای تفسیری، دخالت فراوانی در ترجمه یزدی دارد؛ به گونه‌ای که کمتر صفحه‌ای را می‌توان یافت که تأثیر تفسیر در آن قابل ملاحظه نباشد (ر.ک: جواهری، ۱۳۸۸: ۲۳۶). این توضیحات تفسیری عمدتاً به سه شیوه، در ترجمه یزدی دیده می‌شود:

الف) «توضیحات تکمیلی در پاورقی».

ب) «توضیحات داخل پرانتز».

ج) «توضیحات اشراب شده در متن ترجمه».

۳-۱-۱-۱- توضیحات تکمیلی در پاورقی

آیت‌الله یزدی، به خاطر تردیدی که در استیفای تمام معانی و بیان مفاهیم قرآنی داشته، برخی واژگان و عبارت‌های زبان مبدأ را نه تنها در متن اصلی ترجمه، بلکه در پانوشت هم توضیح داده است. وی، در ترجمه منتخب سوره بقره، مجموعاً (۱۷) مورد از پاورقی استفاده کرده است. مثلاً، ذیل آیه ۴۹ سوره بقره، در تعریف ماده «یَسْؤُمُونَکُمْ»، آورده است که «یَسْؤُمُونَ» از «سوم» به معنای «تحمیل کردن» و «وارد نمودن» است (یزدی، ۱۳۸۶: ۸).

همچنین در آیه ۵۳ سوره بقره، واژه «فرقان» را در پانوشت، به «معجزه‌های جداکننده حق از باطل» ترجمه نموده است؛ اما در متن اصلی ترجمه، از همان معادل عربی «فرقان» استفاده کرده است (همان: ۸). اکنون، اگر «فرقان» به معنای «جداکننده حق از باطل» است، پس چرا در متن اصلی ترجمه نیامده است؟! به نظر می‌رسد که مترجم، احیاناً در گزینش

معانی متعدد، مردّد بوده است، لذا یکی را در متن و دیگری را در پاورقی آورده است. مثلاً، ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره: ﴿مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾، آورده است: «هر نشانه و علامتی را که برچینیم یا از ذهن‌ها بزداییم و به فراموشی اندازیم (چیزی از جهان هستی را تغییر داده، جابه‌جا یا نیست کنیم) بهتر از آن یا مثل آن را می‌آوریم» و در پاورقی نیز گفته است: «یا [حکم] هر آیه‌ای را که نسخ کنیم یا [نزول آن را] به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانند آن را می‌آوریم. ترجمه متن بنابر این قول است که مراد از نسخ تکوینی باشد و ترجمه پانوشت بنابر این قول است که مراد از نسخ در این‌جا تشریحی باشد» (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷).

همچنین در ذیل آیه ۴۵ سوره بقره: ﴿فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ﴾، آورده است: «و (با ریاضت‌ها) نفس (سرکش) خویش را بکشید» سپس در پاورقی آورده است: «یا: «پس یکدیگر را بکشید.» یعنی بی‌گناهان شما، گناهکارانتان را که مستحق مرگ‌اند بکشند» (یزدی، ۱۳۸۶: ۸).

توضیحات مترجم در پاورقی، به این امور محدود نمی‌شود، بلکه گاه به توضیح مباحث صرفی و نحوی نیز پرداخته است؛ مثلاً ذیل آیه ۴۵ سوره بقره: ﴿عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ﴾ می‌گوید: «ماده «عهد» اگر با «إلى» بیاید، به معنای سفارش کردن است نه عهد و پیمان» (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۹).

۳-۱-۱-۲ - توضیحات تفسیری داخل پرانتز

آیت‌الله یزدی، از کمانک - به طرز وسیعی - برای توضیح معانی آیات بهره برده که گاه فراوان و خسته‌کننده است. وی، مجموعاً حدود ۲۳۰ مورد، از اضافات توضیحی داخل پرانتز استفاده کرده که در بسیاری موارد هم غیرضروری به نظر می‌رسد:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ (بقره/۳)

«آنانند که به غیب (نهان‌هایی چون خدا، فرشتگان و وحی) ایمان دارند»

﴿فَتَلَفَىٰ أَدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ﴾ (بقره/۳۷)

«پس آدم (که خود را در وضع سخت و ناراحت کننده‌ای یافت، به درگاه خداوند توبه کرد و) کلماتی را از پروردگارش فرا گرفت»

﴿قَالُوا أَتَجِدْنَا هُرُؤًا﴾ (بقره/۶۷)

«گفتند: آیا ما را به تمسخر می‌گیری و به کار بی‌فایده وامی‌داری (چه رابطه‌ای بین پیداکردن قاتل و کشتن یک گاو هست)؟»

﴿الشُّهُرُ الْحَرَامُ بِالشُّهُرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا

اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/۱۹۴)

«(احترام) ماه حرام در مقابل (احترام) ماه حرام است و حرمت‌ها (حرمت ماه‌های حرام و حرمت حرم و حرمت مسجدالحرام) قصاص و مقابله به مثل دارد (که اگر در این ماه‌ها یا در حرم یا مسجدالحرام با شما به جنگ درآیند، می‌توانید همان‌طور که آنان حرمت‌ها شکسته‌اند شما هم با آنان بجنگید و به طور کلی) اگر کسی به شما تعدی و تجاوز کرد شما هم به همان اندازه نه بیش‌تر پاسخ دهید»

﴿وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ﴾ (بقره/۲۰۳)

«و در روزهای مشخص و معدودی (روزهای تشریق، یعنی یازدهم تا سیزدهم ذی حجه در منی) را یاد کنید»

﴿فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ﴾ (بقره/۲۰۳)

«پس هرکه در دو روز شتاب کند (اعمال مکه را در دو روز نخست انجام دهد) و هر که تأخیر کند (اعمال مکه را پس از کوچ کردن از منی انجام دهد)»

﴿ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾ (بقره/۲۰۸)

«همگی در سلم و سازش (و راستی و درستی) درآیید» (یزدی، ۱۳۸۶: ۳۲)

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ﴾ (بقره/۲۱۶)

«جنگ بر شما نوشته شده (واجب گردیده) است»

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ (بقره/۲۲۹)

«طلاق (طلاق رجعی که در آن شوهر می‌تواند به همسرش رجوع کند) فقط دوبار

است»

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ... وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ (بقره/۲۶۱)

«و خداوند برای هرکس که بخواهد دوچندان می‌کند (هزار و چهارصد برابر)»

﴿أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ ... فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ﴾ (بقره/۲۶۶)

«آیا یکی از شما دوست دارد که او را باغ خرما و انگوری باشد ... پس تندبادی که در

آن آتشی هست در آن بوزد و باغ آتش گیرد و همه یک‌جا بسوزد؟ (روشن است که کسی

چنین حادثه‌ای را دوست ندارد. مثل انفاق مثل آن باغ است، و مثل ریا و آزار در پی انفاق،

مثل آن آتش است)»

﴿وَلْيَكْتَبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ﴾ (بقره/۲۸۲)

«و نویسنده‌ای باید در میان شما به عدالت و راستی بنویسد (با دقت و عدالت، جزئیات

مبلغ، جنس، زمان و دیگر جهات را در نوشته تنظیم کند)»

۳-۱-۱-۳ - توضیحات تفسیری اشراپ شده در متن ترجمه

تورقی کوتاه در ترجمه یزدی، گواه ارائه توضیحات تفسیری داخل در متن است. بنابراین

می‌توان این ترجمه را تفسیری نیز نامید. به نمونه‌هایی اکتفا می‌شود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (بقره)

«به نام خداوندی که از سر مهر بخشش فراگیر و همیشگی دارد»

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾ (بقره/۹۷)

«پروردگارا! ما هر دو (پدر و پسر) را مسلمان و تسلیم در برابر خودت قرار بده و از

فرزندان و نواده‌های ما امت و جمعیتی را که مسلمان و تسلیم تو باشند، قرار بده.»

﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَى﴾ (بقره/۲۶۳)

«سخن شایسته با تهی‌دستان و گذشت از لغزش‌های آنان، بهتر است از...»
﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره/۴۵)
«به راستی که آن سنگین و گران است مگر بر فروتنان که دلی رام و آرام دارند»
﴿وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ (بقره/۱۱۹)
«از تو درباره کسانی که جهنمی شده‌اند نمی‌پرسند که چرا به‌دوزخ در می‌افتند؟»
﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ﴾ (بقره/۱۷۸)
«قصاص بر شما نوشته شده و مقرر گردیده است که آزاد در برابر آزاد»
﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ (بقره/۱۸۲)
«و کسی که از وصیت‌کننده بیم ستم و گناه داشته باشد (مثلاً وصیت به کار خلاف و نامشروع کند) پس وصیت را تغییر دهد و به اصلاح میان ورثه پردازد و میان آن‌ها سازش برقرار کند، بر او گناهی نیست (مشمول حکم آیه‌ی پیشین نمی‌شود)»
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ (بقره/۱۸۳)
«هان، ای کسانی ... روزه‌داری بر شما نگاشته شد و واجب گردید»
﴿فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۰۹)
«باید بدانید که خداوند عزیز و حکیم است و با قدرت و حکمت با شما رفتار می‌کند»
﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ﴾ (بقره/۲۳۰)
«پس اگر برای نوبت سوم زن را طلاق داد، بعد از آن بر او حلال نیست»
﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (بقره/۲۵۶)
«هیچ الزام و اکراهی در دین و پذیرش حق و نفی باطل در کار نیست، چه آن‌که رشد و هدایت از کفر و ضلالت آشکار و مشخص شده است»
استفاده از تفسیر و توضیح در ترجمه متون مقدس و غیرمقدس، همیشه مطرح بوده است. ترجمه‌پژوهان قرآن، ترجمه‌ای را که همراه با پرناترها و پانوشتها و توضیحات باشد، ترجمه تفسیری می‌نامند و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل هستند (جوهری، ۱۳۸۷: ۵۹-)

۵۸). بنابراین، ترجمه یزدی را شایسته است، ترجمه‌ای سراسر توضیح و تفسیر دانست؛ زیرا کم‌تر خطی از این ترجمه هست که توضیحات تفسیری اشراپ شده در متن و یا داخل کمانک، نداشته باشد. البته، گاه نیز هر سه روش درهم آمیخته است.

۳- ۱- ۲- معادل فرهنگی یا کارکردی و رایج^{۱۶}

معادل فرهنگی، پیدا کردن واژه‌ای از فرهنگ زبان مقصد به‌عنوان جایگزین واژه‌ای در زبان مبدأ است. نیومارک می‌گوید: «واژگان و اصطلاحات فرهنگی باید با معادل مناسب فرهنگ مقصد، جایگزین شوند» (نیومارک، ۱۹۸۸: ۳۲). مترجم می‌گوید: «کلماتی مانند ایمان، انفاق، جهاد، زکات، صدقه، کفر، نفاق و مشتقات آن‌ها، از آن‌رو که در فرهنگ قرآن بار معنایی خاصی دارد و این ویژگی در معادل فارسی آن‌ها وجود ندارد؛ به‌همان صورت، ذکر و از آوردن معادل فارسی آن‌ها در ترجمه خودداری شده است. مگر در مواردی که این کلمات فاقد آن بار معنایی بوده است. مثل انفاق، در کریمه ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَفْوَاهَهُمْ لِيُضْذُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال/۳۶)» (یزدی، ۱۳۸۶: سخن مترجم). اما برخلاف آنچه گفته شد، مترجم سعی کرده برخی واژگان مرسوم فارسی را به‌جای واژگان مشهور قرآنی، قرار دهد، این مسأله از همان صفحات آغازین ترجمه منتخب سوره بقره هویدا است (ر.ک: رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۸۰).

شاید مهم‌ترین واژه‌ای که مترجم برخلاف بسیاری از مترجمان، معادل فرهنگی آن را ترجمه کرده، واژه «صبر» است (همان: ۸۱). انتخاب معادل فرهنگی «شکیبایی»، به جای ماده «صبر»، برای مخاطبان زبان فارسی امروز کمی غریب است؛ چون واژه صبر از شکیبایی، پرکاربردتر شده است؛ اما جایگزینی فرهنگی از مترجم است (همان: ۸۱):

﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳)

«از شکیبایی و نماز کمک بگیرید که به راستی خدا با شکیبایان است»

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۵۳)

«و هنگامی که ما به موسی کتاب و فرقان دادیم، باشد که راه یابید»
در آیه فوق، «راه یابید» به جای «تَهْتَدُونَ»، یک معادل‌یابی درست فرهنگی است
(رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۸۱).

همچنین «روز بازپسین» به جای «الْيَوْمِ الْآخِرِ»:
﴿مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (بقره/۱۲۶)
«کسانی را که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌اند»
چون «روز بازپسین» در فرهنگ و زبان فارسی نسبت به «الْيَوْمِ الْآخِرِ» شناخته شده‌تر
است و کاربرد بیشتری دارد که به‌عنوان معادل فرهنگی برای «الْيَوْمِ الْآخِرِ» یا «روز آخر
(قیامت)» آمده است.

همچنین «درآید» به جای «ادْخُلُوا»:
﴿ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً﴾ (بقره/۲۰۸)
«همگی در سلم و سازش (و راستی و درستی) درآید»
یا «باغ‌هایی» به جای «جَنَّات»:
﴿أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (بقره/۲۰۸)
«که برایشان باغ‌هایی است که»
یا «رخصت» به جای «إِذْن»:
﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره/۱۰۲)
«مگر آنکه خداوند رخصت دهد»
یا «کارزار» به جای «الْقِتَال»:
﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ﴾ (بقره/۲۴۶)
«پس چون دستور کارزار بر آنان نوشته شد»

شایان توجه است که گاهی تعمد مترجم بر گزینش معادل‌های فارسی، با افراط همراه بوده است، به طوری که واژگان انتخابی وی، دیگر برای فرهنگ مقصد آشنا نبوده و نامرسوم است (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۸۳):

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ﴾ (بقره/۶۷)

«و کوه طور را بر بالای سرتان فراز آورده بودیم»

ترکیب فعلی «فراز آورده بودیم»، از منظر دانش بلاغت فارسی، غریب الاستعمال است و جایگزین فرهنگی مناسبی نیست. همچنین است واژه «پیروزمند» به جای «الْعَزِيزُ» در ترجمه آیه شریفه زیر (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۸۴):

﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/۱۲۹)

«چه آن که تو پیروزمند و حکیم هستی»

۳-۱-۳ - بسط نحوی (افزایش)^{۱۷}

بسط نحوی یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده، باید در زبان مقصد تصریح گردد (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾ (بقره/۱۸۳)

«هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... همان گونه که بر گذشتگان شما نگاشته شده بود»

[بیان اضافه «هان»]

﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ﴾ (بقره/۸۵)

«آیا برخی از آیات کتاب و دستورهای الهی را باور دارید» [بیان اضافه]

﴿وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲۴۱)

«و برای زنانی که طلاق داده می‌شوند، کالایی متعارف و درخور شأنشان هست که این

حقی است بر عهده مردان پرهیزگار» [تبدیل اسم به جمله]

﴿وَإِذَا حَلَّوْا إِلَى سِبَاطِنِهِمْ قَالُوا﴾ (بقره/۱۴)

«اما هنگامی که با هم ردیفان شیطان منش خود خلوت می کنند»

﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/۳۲)

« که تویی آن دانایی که کارهایش حکیمانه و هدف دار است » [تبدیل صفت «الْحَكِيمُ»

به جمله اسمیه و صفیه]

﴿وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (بقره/۲۰۲)

«و خداوند به سرعت حسابرسی می کند» [تبدیل ترکیب اضافی به جمله فعلیه]

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره/۴۰)

«به پیمان من وفا کنید؛ در آن صورت من هم به پیمان شما وفا می کنم» [در آن

صورت» به جای «تا» و تبدیل التزام به اخبار]

﴿إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ (بقره/۱۴)

«جز این نیست که ما (با اظهار ایمان، مؤمنان را) مسخره می کنیم» [بیان جمله به جای

حرف]

در تمامی موارد فوق، به وضوح ملاحظه می شود که تعداد واژگان در متون ترجمه شده،

به مراتب بیش تر از متن اصلی است.

۳-۱-۴ - قبض نحوی (کاهش)^{۱۸}

قبض نحوی، به کار بردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه از زبان مبدأ است

(متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۸):

﴿يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره/۴)

«به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده، ایمان و به جهان آخرت یقین دارند» [حذف

فعل «دارند» به قرینه لفظی]

﴿وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾ (بقره/۳۰)

«در حالی که ما همراه با ستایشت تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌نماییم» [حذف معنای جار و مجرور «لک»]

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا﴾ (بقره/۷۶)

«و چون مؤمنان را ملاقات کنند، منافقانه می‌گویند» [قبض جمله موصولی به‌اسم فاعل «مؤمنان»]

﴿وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره/۱۴۶)

«و خداوند از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست» [حذف معنای تأکید از حرف جر زائد]

﴿وَلَكِنَّ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ﴾ (بقره/۱۴۶)

«و اهل کتاب را هر آیه و برهانی بیاوری» [قبض جمله موصولی به ترکیب اضافی «اهل کتاب»]

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾ (بقره/۱۶۵)

«و برخی از مردم غیر خدا را هم‌تایان او قرار می‌دهند و آن‌ها را چون خدا دوست می‌دارند» [حذف معنای مبتدای مؤخر «من» و نیز مصدر «حُب» در «كَحُبِّ اللَّهِ»]

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا﴾ (بقره/۱۶۶)

«در آن هنگام که پیشوایان (باطل) از پیروانشان بیزاری می‌جویند» [تبدیل جمله موصولی به اسم «پیشوایان و پیروانشان»]

﴿وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (بقره/۱۸۴)

«و روزه‌داشتن برای شما بهتر است» [تأویل جمله موصولی به مصدر]

﴿أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُضِلُّوا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (بقره/۲۲۴)

«که بخواهید با این وسیله به نیکی و پرهیزگاری و اصلاح میان مردم دست یابید» [

تأویل جملات موصولی «أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُضِلُّوا» به مصدر]

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ (بقره/۱۲۷)

«به یاد آورید آن زمان را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های این خانه را بالا می‌بردند»
[حذف حرف جر زائد در ترجمه]

۳- ۱- ۵- ابهام^{۱۹}:

زبان‌شناسان معتقدند که دلالت‌های مختلف یک صورت واحد، منجر به ابهام می‌شود. نیومارک، ابهام را هفت نوع دانسته است:

۱. ابهام دستوری^{۲۰}، ۲. ابهام لغوی^{۲۱}، ۳. ابهام کاربردی^{۲۲}، ۴. ابهام فرهنگی^{۲۳}، ۵. ابهام در گویش فردی^{۲۴}، ۶. ابهام ارجاعی^{۲۵}، ۷. ابهام استعاری یا مجازی^{۲۶} (نیومارک، ۱۹۸۸: ۲۲۰-۲۱۸).

مطابق نظر گارسس، ابهام، ممکن است عمدی یا سهوی باشد؛ "ابهام" عمدی یا هنری باید منتقل شود و "ابهام غیرعمدی" باید برطرف شود (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۹):

﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ﴾ (بقره/۵۱)

«شما بعد از آن گوساله را به پرستش گرفتید» [ضمیر «آن» ابهام ارجاعی دارد بین (موسی ع) یا چهل شب، بلکه پس از رفتن «او» (موسی)، گوساله پرستیدند نه آن]

﴿وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ﴾ (بقره/۷۴)

«پاره‌ای از سنگ‌ها از دلشان نهرها شکافته و جاری می‌شود» [واژه «النهر» عربی نسبت به رود و جوی فارسی شمول معنایی دارد و مترجم باید بسته به بافت سخن، یکی از دو گزینه را انتخاب کند. در آیه زیر «جوی / جویبار» مناسب است (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۷۴)]

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۳)

«و با آنان بجنگید تا هنگامی که دیگر فتنه نباشد و دین برای خدا باشد» [تصمیم‌گیری برای واژه «الدِّينُ» به معنای «جزا و داوری» یا «آیین و مذهب» آسان نیست؛ بنابراین مترجم آسان‌ترین و مبهم‌ترین شیوه، یعنی ترجمه لفظی را برگزیده است. در مورد وجوه معنایی «فِتْنَةٌ» هم، وضع بر همین منوال است]

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ﴾ (بقره/۲۳۱)

«و چون زنان را طلاق دادید و به مدّت مقررشان رسیدند» [«الأجل» در «فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ» مجاز مرسل به علاقه کلیت، و منظور از آن «نزدیک شدن به ایام عدّه» است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۷۸). ولی مترجم، به صورت تحت‌اللفظی «به مدّت مقررشان رسیدند»، ترجمه نموده است]

﴿إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ﴾ (بقره/۱۵)

«خداوند است که آنان را مسخره می‌کند» [«يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» مجاز مرسل به علاقه سببیت است؛ زیرا استهزاء کافران سبب شکنجه و عقوبت آنان شده است (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱: ۲۹۳) اما مترجم معنای لفظی را برگزیده است]

﴿وَالْمَطْلَقَاتُ يَرِيضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره/۲۲۸)

«و زنانی که طلاق داده شده‌اند باید تا سه نوبت پاک شدن از عادت ماهانه صبر کنند [واژه «قُرُوءٍ» اگر به معنای طهر باشد، براساس این آیه، عدّه زنان مطلقه سه طهر است و اگر به معنای حیض باشد، عدّه زنان مطلقه سه حیض است (جوهری، ۱۳۸۷: ۱۹۱) آیا می‌توان هر دو معنا را در نظر گرفت؟!]

﴿وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ﴾ (بقره/۶۷)

«و کوه طور را بر بالای سرتان فراز آورده بودیم» [ابهام محتوایی]

﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَحْطِفُ أَبْصَارَهُمْ﴾ (بقره/۲۰)

«نزدیک است برق چشمانشان را برباید» [نور برق است که می‌رباید نه برق (مجاز مرسل به علاقه ملزومیت)]

تأملی در ترجمه یزدی، نشان می‌دهد که مترجم در برگردان موارد ابهام، راهبرد یکسانی ندارد. مثلاً، ساختارهای مجازی را به سه روش تحت‌اللفظی، معنایی و احياناً معنایی-ارتباطی ترجمه کرده است. اما غالباً معنای حرفی وجوه قرآن و نظایر آن را آورده است.

۳- ۱- ۶- عام برابر خاص یا بالعکس^{۲۷}

ترجمه لغتی خاص، به صورت عام و برعکس آن است. مانند: «الْمَنْ» که معادل فارسی آن «گزانگبین» و «السُّلْوَى» که معادل فارسی آن «بلدرچین» است؛ اما در ترجمه یزدی رویکردی عام یافته است:

﴿وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسُّلْوَى﴾ (بقره/۵۷)

«و از شیرهای شیرین درخت و گوشت پرندگان برایتان غذا فرودستادیم»

۳- ۱- ۷- اقتباس^{۲۸}

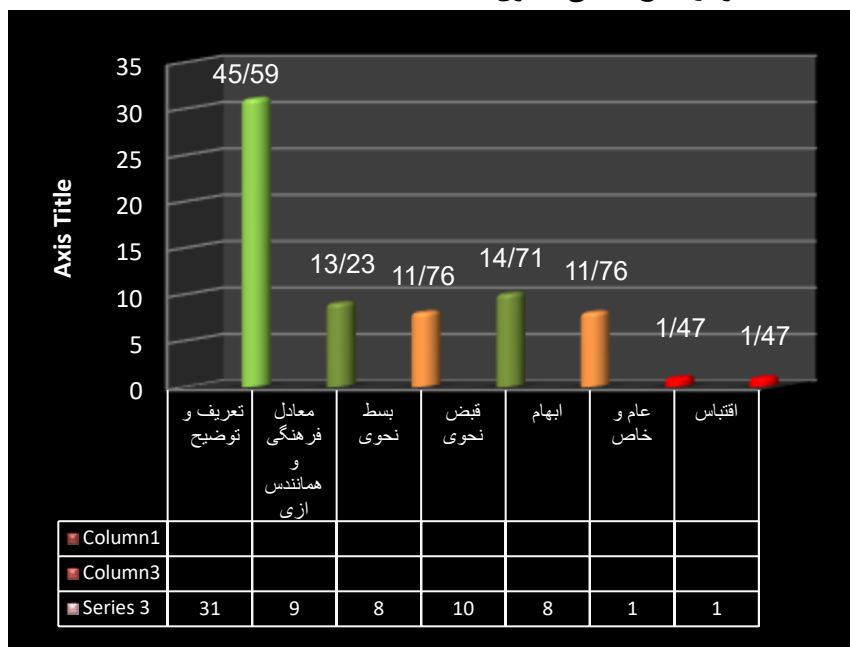
اقتباس یا معنی نزدیک، به کارگیری زبان جافتاده و کاربردی در بین مردم است (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۱-۸۰) و بیش تر در مورد انتقال اصطلاحات ادبی و بلاغی کاربرد دارد:

﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذُّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ (بقره/۴۵)

«و بر آن‌ها مُهرِ خواری و درماندگی زده شد»

معنای حرفی عبارت قرآنی، چنین می‌شود: «خواری و درماندگی بر آنان زده شد». چنین جمله‌ای در زبان فارسی نامفهوم است؛ لذا مترجم از معادل کارکردی آن در زبان فارسی کمک گرفته است؛ یعنی: «و مُهرِ خواری و درماندگی بر آنان زده شد». در ترجمه یزدی از معادلی استفاده شده که جافتاده‌تر و ملموس‌تر از معنای حرفی و سطحی واژه‌هاست.

۳-۱-۸ - نمودار سطح معنایی - لغوی



۳-۲ - سطح نحوی - صرفی (واژه‌ساختی) ۲۹

این سطح، مطابق شکل (۱-۲)، یعنی سطح نحوی - صرفی که در بخش مبانی نظری بدان اشاره شد، زیرگروه‌های متعددی دارد که به تطبیق آن‌ها در ترجمه سوره بقره می‌پردازیم:

۳-۲-۱ - تغییر نحوی یا ساختار ۳۰

برخی ساختارهای زبان مبدأ، معادلی در زبان مقصد ندارند. لذا مترجم، برای یافتن معادلی مشابه، ناچار به شکستن قواعد نحوی زبان مبدأ می‌شود؛ زیرا در فرآیند ترجمه، علاوه بر برگردان عناصر معنایی و واژگان، ساختار نحوی زبان مبدأ نیز باید به زبان مقصد انتقال یابد (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۲):

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (بقره)

«به نام خداوندی که از سر مهر بخشش فراگیر و همیشگی دارد» [ترجمه صفات «الرَّحْمَنُ» و «الرَّحِيمُ»، به جمله وصفیه، ترجمه را از تعادل نحوی بلاغی و معنایی خارج و به سمت تفسیر سوق داده است]

﴿وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ (بقره/۷۲)

«و خداوند آنچه را پنهان می داشتید، آشکار ساخت» [تغییر اسم فاعل «مُخْرِجٌ»، به فعل متعدی «آشکار ساخت»]

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا ... إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ (بقره/۱۴)

«وقتی با مؤمنان دیدار می کنند، ... و جز این نیست که ما (با اظهار ایمان، مؤمنان را) مسخره می کنیم» [تغییر جمله موصولی به اسم «مؤمنان» و نیز جمله اسمیه «نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ» به جمله فعلیه «مسخره می کنیم»]

﴿قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ (بقره/۱۱)

«می گویند: جز این نیست که ما اصلاح گریم» [تغییر شیوه قصر با «إِنَّمَا» به نفی و استثناء با «إِلا»]

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (بقره/۱۵۷)

«و آنان همان کسانی هستند که هدایت شده اند» [تبدیل اسم مفعول به فعل مجهول]

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۶۴)

«و آنانند پرهیزگاران» [تغییر جایگاه مبتدا «أُولَئِكَ» با خبر «الْمُتَّقُونَ»، برای انتقال معنای حصر]

﴿وَصِيَّةٌ لِّأَزْوَاجِهِمْ مِّمَّا عَالَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ﴾ (بقره/۲۴۰)

«برای زنانشان سفارش کنند که تا یک سال آنان را بر خوردار نمایند (نفقه آنان را بپردازند) و از خانه بیرونشان نکنند» [ترجمه مصادر «وَصِيَّةٌ»، «مِّمَّا عَالَى» و «إِخْرَاجٍ» به صورت فعلی]

﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره/۳۲)

«که تویی آن دانایی که کارهایش حکیمانه و هدف‌دار است» [تبدیل صفت «الْحَكِيمُ» به جمله وصفیه اسمیه]

﴿وَالْفُلْكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ﴾ (بقره/۱۶۴)

«با آنچه مردمان را سودمند است» [تبدیل فعل متعدی به فعل لازم]

۳-۲-۲ - تغییر دیدگاه یا بیان^{۲۱}

[این بخش در ترجمه منتخب سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۲-۳ - ترجمه تحت‌اللفظی^{۲۲}

ترجمه تحت‌اللفظی جزء ترجمه‌های مقید به متن مبدأ است (قلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۳) که در آن ساختمان دستوری زبان مبدأ به نزدیک‌ترین معادلش در زبان مقصد برگردانده می‌شود (نیومارک، ۱۹۸۸: ۴۶). در این شیوه، دغدغه اصلی مترجم، حفظ امانت است و می‌کوشد تا چیزی در ترجمه اضافه یا کم نگردد:

﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ﴾ (بقره/۵)

«آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند»

﴿فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي﴾ (بقره/۱۸۶)

«پس باید دعوت مرا بپذیرند و باید به من ایمان بیاورند»

﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ﴾ (بقره/۲۴۶)

«پس چون دستور کارزار بر آنان نوشته شد، روی برگرداندند مگر تعداد کمی از آنان»

مواردی از ترجمه تحت‌اللفظی نیز در بخش ابهام ذکر گردید. در واقع ترجمه تحت‌اللفظی بیش‌ترین وفاداری را به ظاهر لفظ دارد؛ ولی معلوم نیست تا چه اندازه در انتقال ژرفای پیام و معانی آن موفق باشد. اشکالی ندارد اگر مترجمی ارزش زیباشناختی را در ترجمه متون ادبی مقدم شمارد؛ ولی در ترجمه متون مقدسی همچون قرآن، هیچ چیز نباید بر انتقال درست پیام، مقدم باشد.

۳-۲-۴- جبران: ۳۳

[این بخش در ترجمه سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۲-۵- توضیح و بسط معنا^{۲۴}

توضیح یا بسط معنای قسمتی از متن که ضرورت دارد، در متن مقصد تصریح گردد. این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی، خاص همه زبان‌هاست (نیومارک، ۱۹۸۸: ۹۴):

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا﴾ (بقره/۷۲)

«و یاد کنید آنگاه را که کسی را کشتید و درباره آن اختلاف کردید و هرکدام آن را از خود رد کرده، به گردن دیگری می‌انداختید».

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ﴾ (بقره/۷۲)

«آنچه گفتیم خلاصه‌ای از اخلاق و روحیات بنی اسرائیل بود، حال با این اوصاف آیا طمع دارید یهودیان به شما ایمان بیاورند؟».

﴿قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (بقره/۱۳۵)

«بگو: نه بلکه راه و روش ابراهیم را که حق‌گرا بود» [آوردن قید منفی «نه» برای تأکید و

توضیح معنی است]

﴿لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره/۱۸۶)

«باشد که به حدی برسند که حق را تشخیص دهند»

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾ (بقره/۱۸۷)

«این‌ها حدود و دستورهای الهی است، مواظب باشید به آن‌ها نزدیک نشوید که آن‌ها را

بشکنید»

نکته جالب توجه در ترجمه یزدی، بسط معنایی و تفسیری به «واو» عطف است که به یکی از شاخص‌های سبک نویسندگی مترجم، تبدیل شده است. وسواس مترجم در استیفای تمام معانی آیات قرآنی و یا تردید میان یکی از بسیاران، سبب شده تا مترجم، غالباً دو معنا را به وسیله واو عطف برای یک معادل در زبان مبدأ برگزیند. این مسأله در باب

ترجمه افعال، قابلیت تعمیم بیش‌تری دارد. به نمونه‌های گزینش شده از آیات آخر سوره بقره اشاره می‌شود:

«التَّابُوتُ»: «تابوت و صندوق» (بقره/۲۴۸) / «اعْتَدَى»: «تعدی و تجاوز کرد» (بقره/۱۹۴) / «التَّهْلُكَةُ»: «تباهی و هلاکت» (بقره/۱۹۵) / «السَّلْمُ»: «سازش (راستی و درستی» (بقره/۲۰۸) / «يُؤَاخِذُكُمْ»: «مؤاخذه و بازخواست خواهد کرد» (بقره/۲۲۵) / «دَرَجَةٌ»: «رتبه و درجه» (بقره/۲۲۸) / «افْتَدَتْ»: «فدیه و پیش‌کش بدهد» (بقره/۲۲۹) / «مَا افْتُلَّ»: «جنگ و کشت و کشتار نمی‌کردند» (بقره/۲۵۳) / «الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»: «رشد و هدایت از کفر و ضلالت» (بقره/۲۵۶) و ...

۳-۲-۶- تلویح^{۲۵}، تقلیل^{۲۶}، حذف^{۲۷}

یعنی عناصری که در زبان مبدأ به تصریح بیان شده و در زبان مقصد، تلویحاً یا به‌اختصار بیان شده، یا به‌طور کلی حذف شوند (گارسس، ۱۹۹۴: ۱۴۹):

﴿كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا﴾ (بقره/۲۵)

«و هرگاه میوه‌ای از آنها روزیشان کنند» [تقلیل عناصر معنایی زبان مبدأ]

﴿يَوْمَئِذٍ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره/۴)

«به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده، ایمان و به جهان آخرت یقین دارند» [تقلیل فعل

دارند] به قرینه لفظی]

﴿وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾ (بقره/۳۰)

«در حالی که ما همراه با ستایشت تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌نماییم» [حذف

جار و مجرور «لک»]

۳-۲-۷- تغییر در نوع جمله^{۲۸}

مترجم، نوع جملات زبان اصلی را در زبان هدف (ترجمه)، تغییر داده باشد؛ مثلاً جملات خبری را پرسشی یا انشایی ترجمه نماید:

﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا﴾ (بقره/۱۳۵)

«و گفتند: یهودی یا مسیحی باشید، آن گاه است که هدایت می شوید» [جمله «تَهْتَدُوا»

جواب طلب است و باید التزامی ترجمه شود؛ اما وصفی و خبری ترجمه شده است]

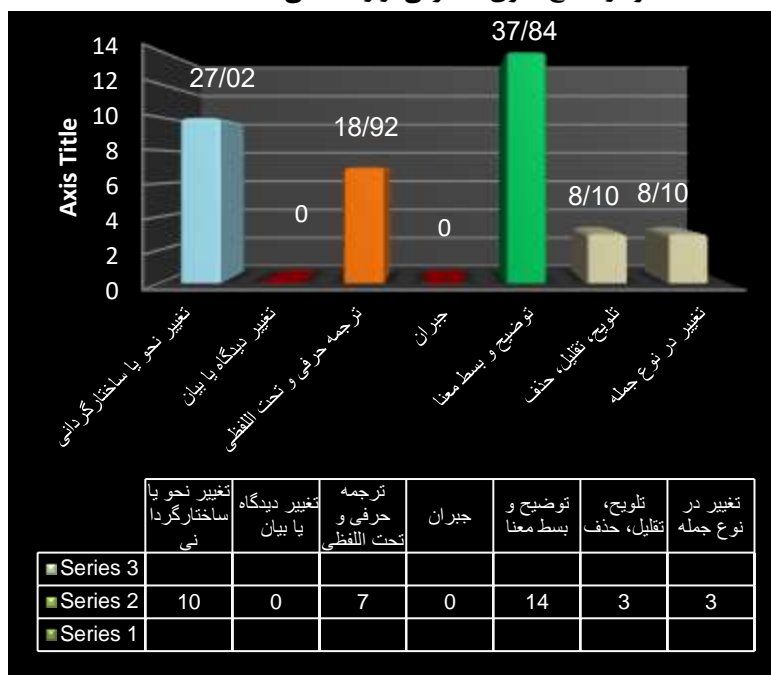
﴿وَأْتُوا بِهِ مَشَاهِبَهَا﴾ (بقره/۲۵)

و همگون آن روزی را برای آنان می آورند» [تبدیل جمله مجهول به معلوم]

﴿وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره/۱۳۴)

«و شما را از آنچه می کردند نمی پرسند» [تبدیل جمله مجهول به معلوم]

۳-۲-۸ - نمودار سطح نحوی - صرفی (واژه‌ساختی)



۳-۳-۳ - سطح گفتمانی - کارکردی^{۳۹}

مطابق شکل (۱-۳)، سطح گفتمانی - کارکردی به‌عنوان یکی از سطوح چهارگانه الگوی گارسس نیز دارای ویژگی‌های زیر است:

۳-۳-۱ - حذف منظور نویسنده اصلی^{۴۰}:

[این بخش در ترجمه منتخبِ سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۳-۲ - حذف حواشی^{۴۱}:

[این بخش در ترجمه منتخبِ سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۳-۳ - تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی^{۴۲}:

واژه‌ها، اصطلاحات و گاهی جملات کاربردی خاص یک زبان، در زبان دیگر، کاربردی ندارد؛ بنابراین، مترجم باید از معادل کاربردی آن‌ها استفاده کند. جوری لاتمن^{۴۳} می‌گوید: هیچ زبانی وجود ندارد، مگر این‌که در زمینه فرهنگ غوطه ور است و هیچ فرهنگی نیست که در مرکز خود، ساخت زبان طبیعی را نداشته باشد (برمن، ۲۰۱۰: ۸۲).

﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۳) «نادانان سبک‌مغز»

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾ (بقره/۲۲) «بستری»

﴿لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (بقره/۲۲) «باشد که راه‌یابید»

۳-۳-۴ - تغییر لحن^{۴۴}:

[این بخش در ترجمه منتخبِ سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۳-۵ - تغییر در ساختمان درونی متن مبدأ

یعنی تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علائم متن، به‌طوری‌که در معنا تأثیرگذار باشد، تغییر منظور نهایی متن اصلی:

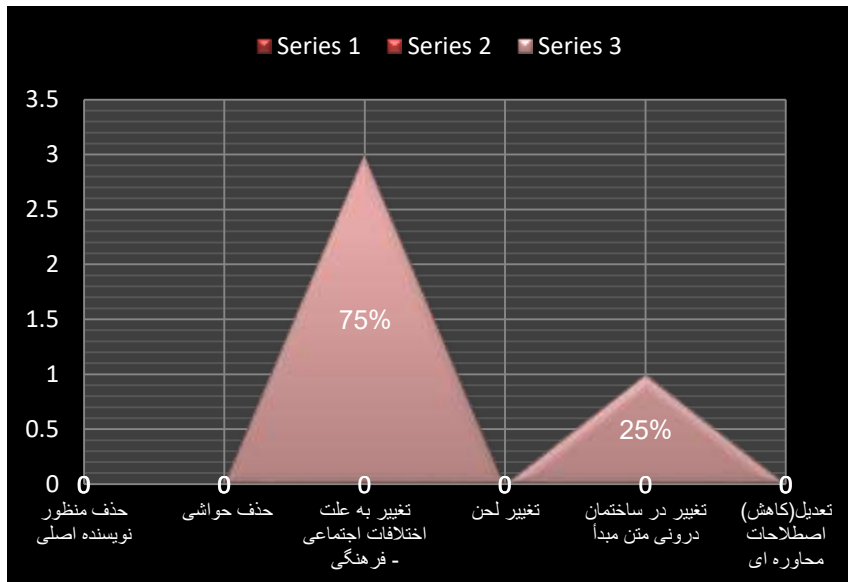
﴿فَأَمَّا يَا تَبِئَكُمْ مَنِّي هُدًى﴾ (بقره/۳۸)

«پس اگر از طرف من رهنمودی به سوی شما آمد» [حذف نون تأکید ثقیله]

۳-۳-۶- تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای^{۴۵}

[این بخش در ترجمه منتخب سوره بقره فاقد نمونه است]

۳-۳-۷- نمودار سطح گفتمانی - کارکردی



۳-۴- سطح سبکی - منظورشناختی (عملی)^{۴۶}

مطابق شکل (۱-۴)، در بخش مبانی نظری پژوهش، سطح سبکی - منظورشناختی

(عملی) هم، به زیرگروه‌های زیر می‌پردازد:

۳-۴-۱ - بسط خلاقه^{۴۷}

کنار گذاشتن کلیشه‌های غلط در ترجمه، بسنده نکردن به اندوخته‌های ذهنی در معانی واژه‌ها، توجه به ویژگی‌های زبان مقصد، ترجمه‌ای خلاق را پدید می‌آورد (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹). گارسس، این شیوه را از شاخص‌های منفی در تعیین کیفیت ترجمه برشمرده است:

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً﴾ (بقره/۸۱)

«نه، حقیقت این است که هرکس کار بدی کند» [عبارت "حقیقت این است" در زبان اصلی معادلی ندارد؛ بلکه زائیده علایق و خیال مترجم است]

﴿ثُمَّ أَفْرَزْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ (بقره/۸۱)

«آن‌گاه اقرار کردید؛ و خود بر این حقیقت گواهی می‌دهید» [عبارت "بر این حقیقت" در زبان مبدأ معادلی ندارد و از اضافات مترجم و براساس ذوق وی است].

﴿فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۹۴)

«اگر در این ادعا راست‌گویید، مرگ را آرزو کنید» [عبارت "در این ادعا" معادلی ندارد و از اضافات سلیقه‌ای مترجم است]

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيْلَ﴾ (بقره/۹۷)

«ای پیامبر! بگو: هرکس با جبرائیل، فرشته وحی، دشمن باشد» [عبارت‌های "ای پیامبر!" و "فرشته وحی" افزوده‌هایی از جانب مترجم است]

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (بقره/۱۳۰)

«فرمود: تسلیم شو؛ بی‌درنگ گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم» [افزوده "بی‌درنگ" از اضافات سلیقه‌ای مترجم است]

﴿بَلْ أَخِيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (بقره/۱۵۴)

«زیرا آنان زنده‌اند ولی شما حقیقت زندگانی آن‌ها را در نمی‌یابید» [عبارت "حقیقت زندگانی آن‌ها را" در زبان اصلی معادلی ندارد و افزوده‌ای از جانب مترجم است]

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (بقره/۱۲۱)

«آنان که ما به آنان کتاب آسمانی داده‌ایم در حالی که آن را می‌خوانند و با دقت و تفکر، حق خواندن آن را ادا می‌کنند» [عبارت "آسمانی" و "ادا می‌کنند" از اضافات سلیقه‌ای مترجم است]

۳- ۴- ۲- اشتباه مترجم^{۴۸}

این موضوع به سطح آگاهی مترجم از دانش ترجمه برمی‌گردد. گاهی نیز ناشی از کج‌فهمی مترجم است که منجر به انتقال نادرست مفاهیم به زبان مقصد می‌شود:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ﴾ (بقره/۱۷۷)

«نیکی این نیست که برای عبادت خدا روی خویش به سوی شرق و غرب کنید، بلکه نیکی آن است که...» ["البر" خبر مقدم "لیس" است؛ اما به صورت اسم لیس ترجمه شده است]

﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ (بقره/۹۲)

«و بدون تردید موسی با آن دلایل روشن به پیامبری نزد شما آمد»

فعل ماضی «جاء»، لازم است که به واسطه حرف جرّ «باء»، متعدی گردیده است. به نظر می‌رسد که حرف جرّ «باء»، در «بِالْبَيِّنَاتِ» حرف تعدیه است نه مصاحبت؛ بنابراین، معادل دقیق فعل «جاء» به همراه حرف «باء»، واژه «آورد» است، نه «آمد» (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۰۰). به هر حال، غالب مترجمان معاصر قرآن نیز، فعل ماضی «جاء» را متعدی خاص دانسته و به صورت «آورد»، ترجمه کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به: قرائتی، فولادوند، بهرام‌پور، خرمشاهی، انصاریان، مکارم شیرازی، مجتبوی، خرمدل و ... اشاره کرد.

﴿وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (بقره/۵)

«آنانند رستگاران» ["أُولَٰئِكَ" مبتدأست نه خبر، (آنانند که رستگارانند)]

۳ - ۴ - ۳ - حفظ اعلام با معادل در متن مبدأ^{۴۹}

نام‌ها در دو زبان فارسی و عربی دوگونه‌اند: یا در دو زبان، به یک شکل نوشته می‌شوند، مانند: «علی» و «منصور»، یا مختلف هستند، مانند: «گورباچف» و «نروژ» که در زبان عربی، «غرباتشوف» و «نرویج» نوشته می‌شوند. گاهی باید اسم خاص را ترجمه کرد، گاهی باید مستقیماً انتقال داد و در مواردی نیز باید به‌همراه توضیح آورد (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

﴿سَجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى﴾ (بقره/۳۴)

«آدم را سجده کنید ... جز ابلیس که خودداری کرد»

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْقُرْآنَ﴾ (بقره/۵۳)

«و هنگامی که ما به موسی کتاب و فرقان دادیم»

﴿وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾ (بقره/۸۷)

«و به عیسی، فرزند مریم، ... دادیم و او را به «روح القدس» تأیید کردیم»

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ﴾ (بقره/۹۸)

«هرکس دشمن خدا و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد ...»

﴿تَعْبُدُوا إِلَهَكُمْ وَإِلَهَ آبَائِكُمْ إِبرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا﴾ (بقره/۱۳۳)

«پرستش می‌کنیم خدای تو و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را»

﴿وَبَقِيَّةٍ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ﴾ (بقره/۲۴۸)

«و باقی مانده‌ای از خاندان موسی و خاندان هارون»

﴿وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ﴾ (بقره/۲۵۱)

«و داوود، جالوت را کشت»

﴿قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ (بقره/۱۴۴)

«پس روی خود را به طرف «مسجدالحرام» بگردان»

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ (بقره/۱۵۸)

«بی تردید دو کوه صفا و مروه از نمودها و شعارهای خدایی هستند»

۳- ۴- ۴ - حفظ ساختارهای نوعی متن مبدأ^{۵۱}

[این بخش، همان مصادیق ترجمه تحت‌اللفظی را شامل می‌شود که مترجم، با حفظ ساختارهای زبان مبدأ (قرآن)، آن‌ها را برگردان کرده و هیچ‌گونه تغییری در ساختارهای زبان متن مبدأ نداده است. بنابراین، مصادیق این بخش، در واقع همان مصادیق بخش ترجمه تحت‌اللفظی است]

۳- ۴- ۵ - بیان نامناسب اصطلاحات در متن مقصد^{۵۱}

[این بخش در ترجمه منتخب سوره بقره فاقد نمونه است]

۳- ۴- ۶ - پرگویی در برابر ساده‌گویی^{۵۲}

یعنی مترجم جملات ساده را پیچیده‌تر و با توضیحات غیرضروری نقل می‌کند. این زیرگروه، پربسامدترین بخش ترجمه یزدی است که مطابق مدل گارسس (۱۹۹۴)، با برخی زیرگروه‌ها، مانند: «تعریف و توضیح»، «توضیح و بسط معنا» و «بسط خلاقه»، تداخل دارد (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۲)؛ لذا شاخص‌های بسیاری در ترجمه یزدی دارد که به نمونه‌هایی اندک بسنده می‌شود:

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ﴾ (بقره/۹۷)

«پروردگارا! ما هر دو (پدر و پسر) را مسلمان و تسلیم در برابر خودت قرار بده و از فرزندان و نواده‌های ما امت و جمعیتی را که مسلمان و تسلیم تو باشند قرار بده».

﴿أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ﴾ (بقره/۲۴۳)

«آیا ننگریسته‌ای و سرگذشت آنان را که هزاران نفر بودند و از ترس مرگ از شهرشان بیرون رفتند، در نیافته‌ای»

﴿وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲۴۱)

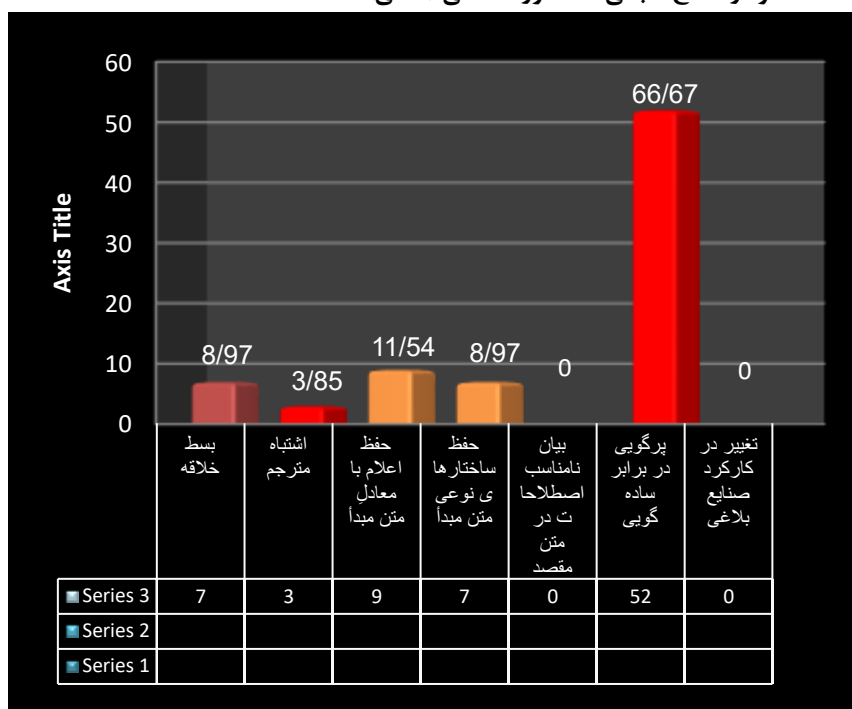
«و برای زنانی که طلاق داده می‌شوند، کالایی متعارف و درخور شأنشان هست که این حقی است بر عهده مردان پرهیزگار»

و ...

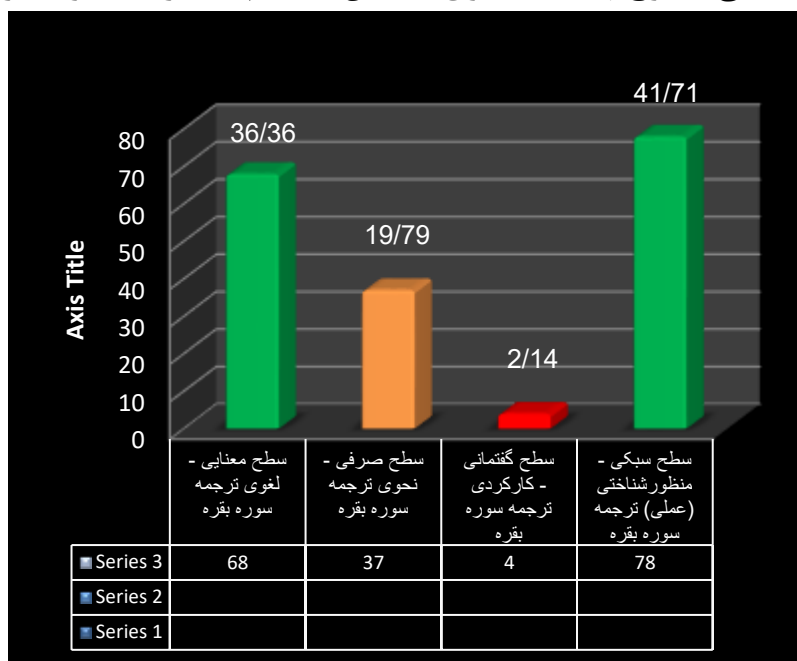
۳- ۴- ۷- تغییر در کارکرد صنایع بلاغی بالأخص استعاره^{۵۳}

[این بخش در ترجمه منتخب سوره بقره فاقد نمونه است]

۳- ۴- ۸- نمودار سطح سبکی - منظورشناختی (عملی)



۴- نمودار کلی سطوح چهارگانه الگوی گارسس (۱۹۹۴م)، در ترجمه سوره بقره:



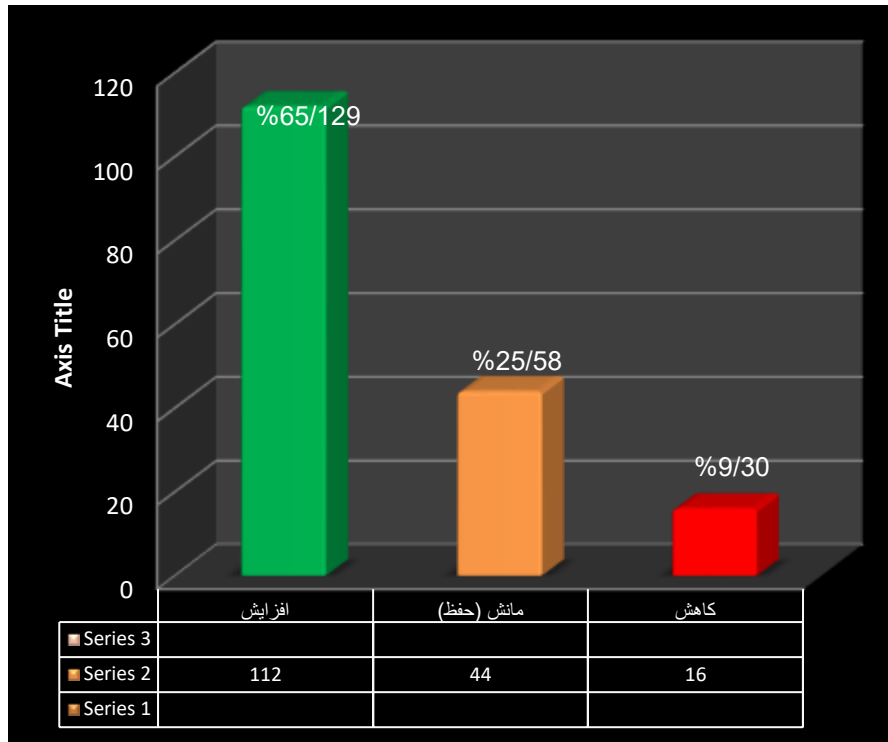
همه این فنون کاربردی در مدل گارسس را، می‌توان با تقسیم‌بندی کلی دیگری به سه گروه عمده تقسیم کرد. این سه گروه و زیربخش‌های مختلف آن در شکل زیر ارائه شده است (اقتباس از پایان‌نامه: فرهادی، ۱۳۹۲: ۳۰۰-۲۹۱):

| | |
|--------------------------|---|
| افزایش ^{۵۴} | تعریف، بسط، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقانه، تفصیل. |
| مآنش (حفظ) ^{۵۵} | معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص، حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ. |
| کاهش ^{۵۶} | کاهش، حذف، حذف بن‌مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه مترجم، ساده‌نگاری. |

مطابق جدول فوق، فنونی را که منجر به افزایش اطلاعات، مانش (حفظ) و یا کاهش آن ها می‌شود، به ترتیب با ذکر نمراتشان نشان داده شده است. فراوانی و میزان حضور این داده‌ها در متن ترجمه یزدی بررسی می‌گردد:

| فراوانی | کاهش | فراوانی | مانش | فراوانی | افزایش |
|---------|---------------------------------|---------|------------------------------------|---------|--|
| ۳ | کاهش (قبض) حذف و تقلیل | ۹ | معادل فرهنگی | ۳۱ | تعریف و توضیح |
| ۰ | حذف بن مایه متعهدانه | ۸ | ابهام | ۱۰ | دستورگردانی |
| ۰ | تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای | ۰ | ترجمه قرضی | ۰ | تغییر دیدگاه (دگربینی) |
| ۰ | حذف قسمتی از متن یا پاراگراف | ۷ | ترجمه تحت‌اللفظی | ۳ | تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی |
| ۳ | اشتباه مترجم | ۰ | جبران | ۱ | تغییر در ساختار درونی متن مبدأ |
| ۰ | ساده‌انگاری | ۳ | تغییر نوع جمله | ۷ | بسط خلاقانه |
| ۱۰ | قبض نحوی | ۰ | نارسایی در معادل (بیان نامناسب) | ۵۲ | تفصیل (پرگویی) |
| | | ۰ | تغییر لحن | ۸ | بسط نحوی (افزایش) |
| | | ۹ | حفظ اسامی خاص | | |
| | | ۷ | حفظ ساختار نوعی زبان مبدأ | | |
| | | ۱ | اقتباس | | |
| | | | | | |
| ۱۶ | | ۴۴ | | ۱۱۲ | مجموع حضور داده‌ها |

۴ - ۱ - نمودار بررسی کلی افزایش، مانس و کاهش در ترجمه سوره بقره

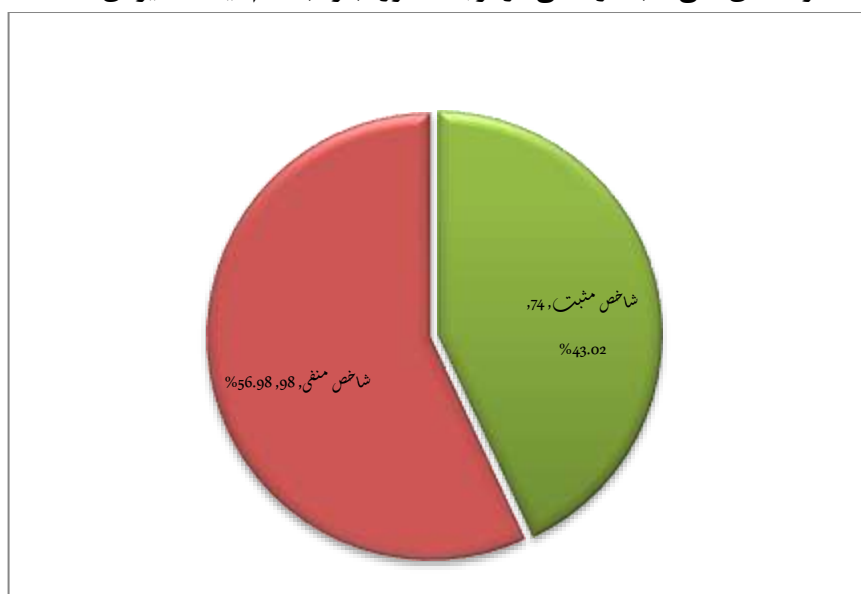


اکنون به سنجش میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه سوره بقره به قلم یزدی، براساس مؤلفه‌های مثبت و منفی نظریه گارسس (۱۹۹۴)، می‌پردازیم (رشیدی و فرزانه^۷، ۱۳۸۹: ۷۱):

| شاخص‌های مثبت | فراوانی | شاخص‌های منفی | فراوانی |
|---------------------------|---------|---------------------------|---------|
| تعریف و توضیح | ۳۱ | ابهام | ۸ |
| تغییر دیدگاه یا دگربینی | ۰ | ترجمه قرضی (گرفته‌برداری) | ۰ |
| حذف حواشی متن | ۰ | بسط ساده یا ساده‌سازی | ۰ |
| تغییر نحو یا ساختارگردانی | ۱۰ | ترجمه حرفی | ۷ |
| جبران | ۰ | نارسایی معادل | ۰ |
| بسط نحوی | ۸ | تغییر لحن | ۰ |

| | | | |
|----|--------------------------------|----|--|
| ۳ | تعدیل، حذف و تقلیل | ۰ | تعیین |
| ۱ | تغییر در ساختار درونی متن مبدأ | ۱ | اقتباس |
| ۱۰ | کاهش (قبض) | ۹ | معادل فرهنگی |
| ۷ | حفظ اسامی خاص در زبان مبدأ | ۳ | تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی |
| ۵۲ | پرگویی | ۰ | تغییر در کارکرد صنایع بلاغی |
| ۷ | بسط خلاقه | ۰ | تعریف |
| ۳ | اشتباه مترجم | ۹ | حفظ اعلام در متن مبدأ |
| ۰ | تغییر در صناعات ادبی | ۳ | تغییر در نوع جمله |
| ۹۸ | | ۷۴ | مجموع شاخص‌ها |

۴ - ۲ - مؤلفه‌های کلی مثبت و منفی در ترجمه سوره بقره به قلم آیت‌الله یزدی



۵- نتیجه‌گیری

ارزیابی کیفیت ترجمه منتخب سوره بقره از قرآن کریم به قلم محمد یزدی براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) نشان داد که:

۱- مدل ارزیابی کیفیت ترجمه گارسس (۱۹۹۴)، مدلی کاربردی و معتبر است که قابلیت تطبیق بر ترجمه منتخب سوره بقره را دارد؛ بنابراین، می‌تواند به‌عنوان ابزاری در جهت تصحیح ترجمه‌های قرآن نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۲- ترجمه محمد یزدی، مصادیق بی‌شماری از اضافات توضیحی و تفسیری را در خود جای داده است؛ این توضیحات تفسیری عمدتاً به سه شیوه، در ترجمه یزدی قابل ملاحظه است: الف) «توضیحات تکمیلی در پاورقی»، ب) «توضیحات داخل پراتنز»، ج) «توضیحات اشراب شده در متن ترجمه»؛ لذا، می‌توان این ترجمه را ترجمه‌ای توضیحی و تفسیری نیز نامید.

۳- استفاده از چند معادل برای یک واژه، از مسائل شایان توجه در ترجمه آیت‌الله یزدی است که سبک ترجمه وی را دستخوش تغییر نموده است. این امر، سبب نوعی سبک‌گفتاری و توضیحی خاص برای وی گردیده است. چرا که مترجم، اغلب میان دو یا سه واژه جهت انتخاب یک معادل دقیق مردد بوده و این مشکل، مرتب در جریان ترجمه سوره، ادامه یافته است.

۴- تعیین کیفیت ترجمه، با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت، صورت می‌گیرد. براساس مقادیر و اطلاعات حاصله، مطابق الگوی گارسس (۱۹۹۴)، ویژگی‌های منفی، در ترجمه سوره بقره، نسبت به ویژگی‌های مثبت، فراوانی بیش‌تری دارد. بنابراین، ترجمه منتخب سوره بقره، براساس دو معیار کفایت و مقبولیت، از محدوده کفایت و بسندگی خارج بوده؛ اما از مقبولیت نسبی برخوردار است.

۵- نتایج تحقیق، بیان‌گر آن است که مترجم در دو سطح «سبکی - منظورشناختی (عملی)» و «معنایی - لغوی» نسبت به دو سطح دیگر الگوی گارسس، موفق‌تر عمل کرده

است. سطح «گفتمانی - کارکردی»، ضعیف‌ترین سطح ترجمه یزدی از سوره بقره، مطابق الگوی گارسس است.

۶- در ترجمه سوره بقره، شاخص‌هایی که غالباً در حوزه زبان متن مقصد قابل اجراست، بیش‌تر مورد توجه مترجم بوده است. این مسأله سبب شده تا مترجم رویکردی مخاطب‌محور و مقصد‌گرا داشته باشد.

۷- مقادیر متفاوت به‌دست آمده از نمودارها، مطابق الگوی گارسس، نشان می‌دهد که مترجم در بیان مفاهیم ترجمه، سبک مشخصی نداشته و به‌تمام جوانب ترجمه یکسان و یک‌جا ننگریسته است. سطح «منظورشناختی» و «معنایی - لغوی»، اوج دقت مترجم را نشان می‌دهد؛ اما سطح گفتمانی، نیازمند بازنگری مجدد است. این موضوع سبب شده تا سبک و پیام زبان مقصد (ترجمه)، احیاناً از سبک و پیام زبان مبدأ، فاصله بگیرد. پیشنهاد می‌شود که ترجمه‌پردازان نیز از این مدل، جهت افزایش کیفیت ترجمه خود و ارائه ترجمه‌ای بهتر استفاده کنند.

۶ - پی‌نوشت‌ها

- 1 . Ms. Carmen Valero Garces
- 2 . Vinay Jean-Paul
- 3 . Jean Darbelnet
- 4 . Eugene Nida
- 5 . Peter Newmark
- 6 . Delicel
- 7 . Monen
- 8 . Nouvert
- 9 . Saintouio Yatouri
- 10 . Semantic - lexical level
- 11 . syntactic - Morphological level
- 12 . Discursive - Pragmatical Level
- 13 . Stylistic - Pragmalinguistic level

- 14 . Semantic - lexical level
- 15 . The Definition and explanation
- 16 . Cultural or Pragmatical equivalents
- 17 . syntactic Expansion
- 18 . syntactic contraction
- 19 . Ambiguity
- 20 . Grammatical
- 21 . Lexical
- 22 . Pragmatic
- 23 . Cultural
- 24 . Individual dialect
- 25 . Referential
- 26 . Metaphorical
- 27 . General against particular Or on the contrary
- 28 . Adaptation
- 29 . syntactic - Morphological level
- 30 . Changing in the syntax or structure
- 31 . Change in perspective or expression
- 32 . Literal translation
- 33 . Compensation
- 34 . Explaining and expanding meaning
- 35 . Implication
- 36 . Reduction
- 37 . deletion
- 38 . Changing in type sentence
- 39 . Pragmatical - discursive Level
- 40 . Removeing the purpose of original author
- 41 . Removing the Margins
- 42 . Changing due to socio-cultural differences
- 43 . Jori Lotman
- 44 . changing tone
- 45 . Reduction in dialogic Idioms
- 46 . Stylistic - Pragmalinguistic level
- 47 . Creative extension
- 48 . Translator mistake
- 49 . Maintaining the Special name with same equivalent in source text
- 50 . Maintaining the Typical structures of a source text
- 51 . Inappropriate expression of idioms in the destination text

- 52 . redundancy against simplicity
- 53 . The Changing Function of the rhetorical industries
- 54. Addition
- 55. Conservation
- 56. Suppression

۵۷. این جدول و برخی مباحث آن را از مقاله (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۷۱) به‌عبارت گرفته‌ام.

۷- منابع

۱. ابن عاشور، محمدبن طاهر، *التحریر والتنوير*، تونس: الدار التونسية للنشر، (۱۹۸۴م).
۲. برمن، آنتوان، *الترجمة والحرف أو مقام البعد*، ترجمة عزالدین الخطابی، بیروت: المنظمة العربية للترجمة، (۲۰۱۰م).
۳. پاکتچی، احمد، *ترجمه‌شناسی قرآن کریم*، ط ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع): تهران، (۱۳۹۲ش).
۴. جواهری، سید محمدحسن، «نیم‌نگاهی به ترجمه‌ی آیت الله یزدی، مجله پژوهش‌های قرآنی»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۶، صص ۲۴۳ - ۲۲۰، (۱۳۸۸ش).
۵. _____، «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۳، صص ۲۰۱ - ۱۸۶، (۱۳۸۷ش).
۶. رحیمی‌خویگانی، محمد، «نقد واژگانی ترجمه موسوی‌گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۷، صص ۹۴ - ۶۹، (۱۳۹۶ش).
۷. رشیدی، ناصر و شهین فرزانه، «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)»، *مجله زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*، شماره سوم، صص ۱۰۸-۵۸، (۱۳۸۹ش).
۸. زمخشری، جارالله، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ط ۳، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

۹. صیادانی، علی و همکاران، «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» بر اساس الگوی گارسس»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۶، صص ۱۱۸ - ۸۷، (۱۳۹۶ش).
۱۰. فرهادی، پروین، بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)، پایان نامه رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، (۱۳۹۲ش).
۱۱. قلی‌زاده، حیدر، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن، ط ۱، انتشارات دانشگاه تبریز: تبریز، (۱۳۸۰ش).
۱۲. متقی‌زاده، عیسی، نقی‌زاده، سیدعلاء، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۶، صص ۱۹۳ - ۱۶۹، (۱۳۹۶ش).
۱۳. یزدی، محمد، ترجمه فارسی قرآن کریم، ط ۱، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه: تهران، (۱۳۸۶ش).
14. Garces, C. V. "A methodological proposal for the assessment of translated literary works." *Babel*, 40, 77-101, (1994).
15. Newmark, Peter. *A textbook of translation*. New York: Prentice-Hall, (1988).